

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

خلاصه درس ۸ جغرافیا یازدهم

نواحی اقتصادی تجارت و اقتصاد جهانی

تجارت و بازرگانی دو شکل دارد: ۱. یا داخل مرزهای یک کشور و بین بخش مای مختلف آن جریان دارد. ۲. یا بین یک کشور و کشورهای مختلف دیگر صورت می‌گیرد.

اقتصاد جهانی

منظور از اقتصاد جهانی، تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات است که بر مبنای ارزش یک پول معین صورت می‌گیرد.

نابرابری در اقتصاد جهانی

همه کشورها در اقتصاد جهانی موقعیت یکسان ندارند. این جایگاه متفاوت، تأثیرات زیادی در زندگی مردم کشورهای مختلف می‌گذارد. برای آنکه به وضعیت نابرابر نواحی در اقتصاد جهانی امروز بهتر پی ببریم، باید به پیشینه تعامل و روابط اقتصادی در جهان توجه کنیم؛

- در گذشته مای دور تجارت بیشتر در سطح محلی صورت می‌گرفت. به تدریج با ایجاد راه‌ها و کاروان سراها و استفاده از چهارپایان و کاروان‌ها، مبادله کالا در نواحی دوردست گسترش یافت.

- سپس با پیشرفت‌هایی که در ساخت کشتی‌ها حاصل شد، میزان مبادلات تجاری بین نواحی مختلف افزایش یافت. راه‌های جاده ابریشم که تا قرن ۱۵ میلادی شکل گرفت بزرگ‌ترین شبکه داد و ستد جهانی بود که شرق و غرب جهان آن روز، یعنی از چین تا اروپا را به هم متصل می‌کرد.

- پس از جنگ جهانی اول و دوم، به تدریج کشورهای مستعمره استقلال خود را به دست آوردند و به عضویت سازمان ملل در آمدند. بدین ترتیب، دوره استعماری کهن به پایان رسید؛ اما رابطه اقتصادی نابرابر در جهان همچنان ادامه پیدا کرد.

- پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای جهان به دو بلوک غرب کشورهای سرمایه‌داری آمریکا و اروپای غربی (و بلوک شرق) کشورهای کمونیستی شوروی سابق، چین و اروپای شرقی تقسیم شدند. کشورهای سرمایه‌داری غربی برای جبران خسارت مای جنگ و جلوگیری از گسترش کمونیسم، دست به صدور سرمایه و کالا زدند.

آن‌ها علاوه بر فشار سیاسی به حکومت‌ها، به سرمایه‌گذاری و ایجاد کارخانه‌های مونتاژ اقدام کردند.

البته در این مرحله کشورهای عقب مانده صنعتی همچنان به فروش منابع و مواد اولیه خام مشغول بودند.

** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مای این دوره، گسترش شرکت‌های چندملیتی بود.

شرکت‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر علاقه‌مند هستند. زیرا:

- از این طریق امتیازاتی به دست می‌آورند.
- با احداث کارخانه یا شرکت در کشورهای دیگر از منابع طبیعی آن‌ها استفاده می‌کنند.
- از نیروی ارزان‌قیمت این نواحی برخوردار می‌شوند.
- از آنجایی که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نظام مالیاتی و بیمه کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی، چندان جدی و سخت نیست، فعالیت شرکت‌های چندملیتی در این کشورها ارزان‌تر و آسان‌تر تمام می‌شود. این شرکت‌ها گاه انحصار تولید یک کالا را در دست می‌گیرند و کارخانه‌های داخلی کشورها را از دور رقابت خارج می‌کنند

انواع نواحی از نظر مبادلات تجاری جهانی

- ۱- کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تولیدی و صدور مواد اولیه و خام و منابع انرژی و معدنی است.
- ۲- کشورهای اقتصاد و درآمد آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تولید و صدور انواع کالاهای کارخانه‌ای صنعتی همراه با فناوری‌های پیشرفته است.

اقتصاد کشورهای گروه اول در برابر نوسانات قیمت در بازارهای جهانی آسیب‌پذیری زیادی دارد و کاهش قیمت خرید محصولات آن‌ها می‌تواند شوک مای عظیمی به اقتصادشان وارد کند. در این نوع اقتصاد، حمایت از بخش مای تولیدی داخلی ضعیف است و واردات گسترش زیادی دارد. در بین کشورهای نوع اول، برخی کشورهای صادرکننده نفت و گاز برای دفاع از منافع خود و جلوگیری از آسیب‌پذیری ناشی از کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، با یکدیگر متحد شده و سازمان اوپک را به وجود آورده‌اند.

نابرابری اقتصادی، نابرابری فضایی

در جهان برای سنجش و مقایسه کشورها از شاخص توسعه انسانی استفاده می‌کنیم که سه عامل را در بر می‌گیرد:

۱- درآمد و رفاه ۲- امید به زندگی یا متوسط طول عمر ۳- سواد و آموزش

* عامل اول جنبه اقتصادی دارد. امروزه ثروت و درآمد جهان در دست برخی کشورها متمرکز شده است؛ درحالی‌که

کشورهایی هستند که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.

مرکز - پیرامون

در نظام سرمایه‌داری جهانی، بر اساس روابط نابرابری که بین نواحی پدید آمده است، برخی نواحی نقش مرکز و سایر نواحی نقش پیرامون دارند که از لحاظ اقتصادی به مرکز وابسته‌اند. بر اساس این نظریه، مرکز پیرامون را استثمار می‌کند و بر آن سیطره اقتصادی دارد. منظور از مرکز، کانون مای سلطه اقتصادی بر جهان است. کشورهای توسعه‌یافته صنعتی که از نظر درآمد و ثروت بالاترین موقعیت را دارند، مرکز نامیده می‌شوند.

پیرامون

عمدتاً تولید کننده مواد خام و اولیه هستند. از نظر توسعه صنعتی و فناوری‌های نوین در سطح پایین تری قرار دارند. به واردات کالاهای صنعتی از مرکز وابسته اند و بازار خوبی برا تولیدات آنها هستند. این کشورها، کمبود نیروی کار ماهر، متخصص و زیر ساخت ها و تجهیزات را برای توسعه صنعتی دارند.

نیمه پیرامون :

منظور کشورهایی هستند که بین مرکز و پیرامون قرار گرفته اند. از نظر اقتصادی از کشورهای پیرامون قوی تر اند ولی هنوز به پای کشورهای مرکز نرسیده اند. این کشورها نقش واسطه را بین کشورهای مرکز و پیرامون بازی می کنند و ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها دچار تغییرات صنعتی و فناورانه شده است. کشورهایی مثل چین، سنگاپور و کره جنوبی از جمله کشورهای نیمه پیرامون هستند.

تجارت: اگر ارزش صادرات یک کشور بیشتر از واردات آن باشد، موازنه تجاری آن مثبت است. کشورها برای اینکه تاثیرات منفی تجارت خارجی را بر صنایع و اقتصاد خود کاهش دهند و به رونق دست یابند کارهایی را انجام می دهند، مانند:

- وضع تعرفه مای گمرکی و مالیات بر کالاهای وارداتی، محدود یا ممنوع کردن واردات برخی کالاهای وارداتی، تشکیل اتحادیه مای اقتصادی_تجاری منطقه ای، ایجاد مناطق آزاد تجاری

تجاری بین‌المللی و حمل‌ونقل دریایی

حدود ۹۰ درصد تجارت جهانی از نظر وزن کالاهایی که جابه جا می‌شوند، از طریق حمل‌ونقل دریایی و توسط کشتی ها صورت می‌گیرد.

حمل‌ونقل به دو دلیل بر دیگر شیوه مای حمل‌ونقل برتری دارد:

۱- پایین تر بودن هزینه با وجود وزن زیاد کالاهای جابه جا می‌شود.

۲- قابلیت جابه جایی کالاها تا مسافت دور دست

نکته: بندر شانگهای رتبه نخست از نظر تعداد جابه جایی کانتینر را دارد.